

۸۶۱۰۳
۱۶۸۷۸

فرج الله فرج اللهی

پیش به سوی زندگی پاک

«یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و
للسول اذا دعاکم لما یحییکم...»
«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را
اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما
را حیات می‌بخشد...»^(۱)

گرچه همه جهان هستی و هر آنچه در آن است، نعمتها و بخشش‌های
پروردگار بی‌همتا است، ولی بهترین نعمت‌ها، که موجود زنده برای خودش قائل
است و همیشه سعی دارد آن نعمت از او سلب نشود و از دست ندهد، نعمت
حیات و زندگی و زنده بودن است که آن را خداوند متعال به او ارزانی داشته است.
چنانکه می‌فرماید: «کیف تکفرون بالله و کنتم امواتاً فأحیاکم ثم یمیتکم ثم
یحییکم ثم الیه ترجعون»: «چگونه به خداوند کافر می‌شوید؟ در حالی که شما مردگان
(و اجسام بی‌روحی) بودید، و او شما را زنده کرد؛ سپس شما را می‌میراند، و بار دیگر شما را
زنده می‌کند، سپس به سوی او بازگردانده می‌شوید». (بنابراین نه حیات و زندگی شما از
شماست و نه مرگتان، آنچه دارید از خداست)^(۲).

به عبارت دیگر نعمت زندگی، نعمتی است که سایر نعمتها مقدمه‌ای برای آن نعمت بزرگ یعنی حیات است. در آیات زیادی با تعبیر گوناگون به این مطلب اشاره شده است. از آن جمله خداوند متعال به کسانی که ایمان آورده‌اند تذکر داده و آنان را به سوی حیات و زندگی دعوت کرده و می‌فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم...».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد...»^(۱).

حیات چیست؟

اگرچه معنی لغوی حیات همان زنده بودن و زندگی و موجود بودن است، اما براساس آیات متعدّد در قرآن مجید، حیات مراحل مختلفی دارد که خداوند متعال به آنها اشاره می‌کند: گاهی به معنی حیات گیاهی و نباتی است چنانکه می‌فرماید: «... انّ الله یحیی الارض بعد موتها»: «خداوند زمین را پس از مرگ زنده می‌کند»^(۲). همگی شاهد مردن زمین در زمستان و زنده شدن دوباره آن در فصل بهار هستیم. و گاهی به معنی حیات حیوانی آمده مانند آیه: «انّ الذی اّحیها لمحیی الموتی»: «خدائی که آن (زمین) را زنده کرد مردگان را نیز زنده می‌کند»^(۳). چنانکه درباره حضرت عیسی علیه السلام می‌خوانیم: «... و اّبرئى الاکمه و الأبرص و اّحی الموتی

۱. انفال، ۲۴.

۲. حدید، ۱۷.

۳. فصلت، ۳۹.

بِاذْنِ اللَّهِ...): «..به اذن خدا کور مادرزاد و مبتلایان به [برص = پیسی] را بهبودی می بخشم و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم...» (۱).

گرچه همه جهان هستی و هر آنچه در آن است، نعمتها و بخششهای پروردگار بی همتاست، ولی بهترین نعمتها، که موجود زنده برای خودش قائل است و همیشه سعی دارد آن نعمت از او سلب نشود و از دست ندهد، نعمت حیات و زندگی و زنده بودن است که آن را خداوند متعال به او ارزانی داشته است.

و گاهی در معنی حیات فکری و عقلانی به کار رفته مانند: «أَوْ مِنْ كَان مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ»: «آیا آن کس که مرده و گمراه بود و هدایتش کردیم، همانند گمراهان است» (۲) و نیز در آیه ۴۲ سوره انفال که می فرماید: «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنِ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّىٰ عَنِ بَيِّنَةٍ...». «...تا آنها که هلاک (و گمراه) می شوند، از روی اتمام حجت باشد و آنها که زنده می شوند، (و هدایت می یابند)، از روی دلیل روشن باشد؛...». و در برخی موارد معنی حیات ابدی و جهان دیگر آمده مانند: «...یا لیتنی قدمت لحياتي»: «ای کاش برای زندگی امروز (رستاخیز) چیزی از پیش فرستاده بودم» (۳).

همچنین به معنای علم و توانائی بی حد و انتهای آمده چنانکه درباره خداوند

۱. آل عمران: ۴۹.

۲. انعام، ۱۲۲.

۳. فجر، ۲۴.

آمده است: «و توکل علی الحی الذی لا یموت»: «و توکل کن بر آن زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد...»^(۱).

از سیاق آیات اخیر استفاده می‌شود که منظور از حیات در آنها، حیات نباتی یا حیوانی نیست، بلکه همان حیات فکری و هدایت است که از جهالت نجات داده است.

سبب حیات چیست؟

می‌دانیم که برای رسیدن به هر هدفی، اسباب و راه‌های خاص لازم است از جمله برای رسیدن به حیات و زندگی هم اسبابی لازم است. وقتی خداوند متعال می‌فرماید: اجابت کنید دعوت خدا و رسول را، آیا دعوت خدا و پیامبر به چه چیزی است که مایه حیات و زندگی است؟ در تفسیر دعوت خدا و پیامبر که سبب حیات است، دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است:

۱. منظور، دعوت به جهاد است؛ زیرا شهادت که یکی از نتایج جهاد است، خود؛ حیات و زندگی است. چنانکه می‌فرماید: «و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله أمواتاً بل احياء...»: «به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگویید، بلکه آنها زنده هستند».

۲. دعوت به ایمان است زیرا ایمان؛ مایه زندگی قلب است، و کفر؛ مرگ آن.

۳. دعوت به قرآن و علم است چرا که جهل مرگ است. و علم؛ زندگی و قرآن

۱. فرقان، ۵۸.

سبب حیات و زندگی با علم است.

۴. دعوت به بهشت است زیرا حیات ابدی و جاودانی آنجاست^(۱).

۵. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که آیه مزبور درباره ولایت امیرمؤمنان علی علیه السلام نازل شده است^(۲).

حیات از دیدگاه قرآن

معنی حیات؛ آنچنانکه در بدو نظر به ذهن انسان خطور می‌کند، و آنگونه که از معنی لغوی آن استفاده می‌شود، در مقابل مرگ است که هم شامل مخلوقات ذی‌شعور می‌شود و هم غیر ذی‌شعور^(۳). اما از دیدگاه قرآن که پیروی از دعوت پیامبر را سبب حیات و زندگی معرفی می‌کند، تنها زندگی حیوانی یا نباتی و... نیست، بلکه شامل همه موارد یادشده می‌شود.

اگرچه بعضی از مفسران معنی

با توجه به اقسام حیات و اسباب آن معلوم می‌شود که دیدگاه قرآن درباره معنی حیات این است که خدا و پیامبر، انسان‌ها را به یک زندگی توأم با علم و آگاهی و یک زندگی انسانی و شرافتمند و عادلانه و اعمال صالح می‌کند، دعوت و آن جز زندگی در پرتو دین مبین اسلام و عمل به قرآن مجید که راهنمای انسانها در همه شئون زندگی آگاهانه می‌باشد، نیست

۲. المیزان، ج ۹، ص ۶۱، به نقل از کافی.

۱. طبرسی، مجمع، ذیل آیه ۲۴ سوره انفال.

۳. المنجد: (حیی).

حیات را در آیه مورد بحث، محدود دانسته‌اند، اما چنانکه می‌دانیم آیات قرآن عام است. از جمله در آیه مورد نظر که شامل همه موارد و شئون حیات می‌شود چنانکه مرحوم علامه طباطبائی رحمته الله می‌فرماید: اشکالی ندارد که جمله «اذا دعاکم لما یحییکم» شامل همه دعوت‌های پیامبر شود که حیات بخش قلبهاست، یا بعضی از آنها که در آن، طبیعت زندگی هست یا نوعی از انواع زندگی با سعادت حقیقی و جوهی که ذکر شده بشود و می‌شود به هر کدام از آنها تطبیق داد اما آیه مطلق است و دلیلی بر تقيید آن نیست (۱)

همچنین می‌فرماید:

«حرف (لام) در (لما یحییکم) به معنی (الی) می‌باشد پس چیزی که پیامبر به سوی آن دعوت می‌کند، همان دین حق و دین مبین اسلام است که قرآن هم دین اسلام را دین فطری انسانها معرفی می‌کند چرا که دین اسلام شامل علم نافع و عمل صالح می‌باشد» (۲).

همچنین در تفسیر نمونه می‌خوانیم:

«... آنها که آیه فوق را تنها به «جهاد» یا «ایمان» یا «قرآن» یا «بهشت» تفسیر کرده‌اند و این امور را به عنوان تنها عامل حیات در آیه فوق معرفی کرده‌اند، در حقیقت مفهوم آیه را محدود ساخته‌اند؛ زیرا مفهوم آیه همه اینها را در بر می‌گیرد و بالاتر از آنها را؛ هر چیز، هر فکر، هر برنامه، و هر دستوری که شکلی از اشکال حیات انسانی را بیافریند، در آیه مندرج است» (۳).

۲. همان.

۱. المیزان، ذیل آیه.

۳. ج ۷، ص ۱۲۸، ذیل آیه.

با توجه به اقسام حیات و اسباب آن معلوم می‌شود که دیدگاه قرآن دربارهٔ معنی حیات این است که خدا و پیامبر، انسان‌ها را به یک زندگی توأم با علم و آگاهی و یک زندگی انسانی و شرافتمند و عادلانه و اعمال صالح می‌کند، دعوت و آن جز زندگی در پرتو دین مبین اسلام و عمل به قرآن مجید که راهنمای انسانها در همهٔ شئون زندگی آگاهانه می‌باشد، نیست. خداوند متعال در آیهٔ ۱۲۲ سورهٔ انعام: (أَوْ مِنْ كَانٍ مِيتًا فَأَحْيَاهُ)، کسانی را که ناآگاهند و در جهالت به سر می‌بردند یا می‌برند، زنده به حساب نمی‌آورد چنانکه مردم عصر جاهلی گرچه به ظاهر زنده بودند و زندگی مادی داشتند اما از لحاظ زندگی انسانی، معنوی و عقلانی محروم بودند و قرآن در چنین محیطی نازل و به وسیلهٔ پیامبر انسانها را به سوی حیات واقعی دعوت کرد؛ زیرا حیات مادی از نظر قرآن لهو و لعب بوده و حیات واقعی به حساب نمی‌آید. چنانکه می‌فرماید:

«و ما هذه الحیوة الدنیا الا لهو و لعب و ان الدار الآخرة لهی الحیوان...»^(۱)

: «این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست، و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می‌دانستید!».

پس زندگی و حیاتی ارزشمند است که به پیروی از قرآن و پیامبر ﷺ و اهل بیت آن حضرت ﷺ همراه با علم و آگاهی باشد نه هر زندگی!

ادامه دارد